

(۲۳)

مدرسه، یا خشتی، که:

از اول کج نهادند!

○ شاهرهی که دارای دست اندازهای بی شمار است!

○ سری به «مدرسه» بزنید.

○ یک اعتراف جالب دیگر!

مدرسه ظاهری است که کودکان را از محیط محدود و بسته خانواده وارد اجتماع میکند و بنا بر این خانقاه عمیق‌بران و سادگران، وسیله رشدقوای همه کودکان، وسازنده سلول‌های اصلی بیگانه اجتماع سالم و بانشاط و زندگی است. اولی کدام مدرسه ... ۱۹.

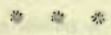
با کمال تأسف، باید اعتراف کنیم که نظام آموزشی خاستی را ندارند و این عطش است که امروز تمام جراید کشور بخاطر آن به «فوج‌گری» پرداخته‌اند. روزنامه کیهان در پرتال شماره ۷۵۲۹ مدرسه را بعنوان «خشت کج» تریق میکند و می‌نویسد: «که بود معلوم‌دیر، کهنکی گناها، و جزوات خسی و مشکل‌جا، مسائل اساسی آموزش ابتدائی و متوسطه است. کتابهای درسی با افلاک فاشی و مطالب غزاقی می‌تواند پاسخگویی نیازهای حاضر باشد. در تهیه کتب درس باید مدلمین با سابقه و روان‌فشانان شرکت داشته باشند» به این جمله اخیر باید اضافه کرد: «و روحانید».

برای نمونه، کتاب «قرائت فارسی برای سال اول دبیرستانها» که مؤلفان آن دلجو هستند که مطالب آنرا از خون قدیم انتخاب کرده‌اند، مثال می‌آوریم تا خوانندگان گرامر و حسن انتخاب! «آبان صدها آفرین!»، بفرستند. طغلی که تازه قدم بدبیرستان گذاشته است و می‌تواند بفهمد که بر «قرآن کریم» تفسیرهایی نوشته شده است. با «ترجمه» تفسیر طبری «که مؤلفان محترم با «تحقیق و کنجکاوی فراوان!» قسمی از آنرا که در پیرامون «خلفت آدم» سخن می‌گویند، انتخاب کرده‌اند، برای اولین بار، آشنا می‌شود. در آنجا می‌نویسد:

«و ابلیس گره بهشت میگردید و نگاه می‌کرد. ماری برون آمد از بهشت. این ماری چهارپای داشت؛ همچون چهارپای اشتر! و ابلیس آن مار را گفت باید که تو مرا پیش آدم ببری تا من این نصیحت را بگویم و او ترا بسیار سپاسداری کند. پس آن مار ابلیس را بدهان خوش

اندراجی دادیم اورا پاهان رضوان ، در بهشت بره ، و چشم بلیس بر طابوس افتاد . ابلیس از آن طابوس پیرسید که آن درخت کدام است که خدای تعالی آدم را گفت از آن بخورد ، طابوس آن درخت گندم اورا بنمود و گفت : «این است» سپس بعد از نقل داستان فریب خوردن آدم می نویسد «مر آدم را بهندوستان انداختند بکوه سرندیب ! و مر حواریا بچده انداختند بر لب دریا بزمکه بر هفت سنک اوابلیس را بستن انداختند بحدودری ! و عازرا به اصفهان انداختند» اینها مطالبی است که مطلقاً در قرآن نیامده است ولی از مدارک و ماخذ معمول و ساختگی و خرافاتی بنی اسرائیلی به بعضی کتب راه یافته و دانش آموزان ما باید بعنوان درسی از قرآن بیاموزند !

در این صورت ، شکی نیست که نیلوان از مدارس ، نتیجه خوب گرفت و همچنین فطرت دینی دانش آموزان بتدریج با مطالب خرافی می میرد . اصل چهارم از قلنامه و کنفرانس آموزش عالی راسر ، میگوید «اصلاح وضع آموزش عالی و امور دانشگاه ها رابطه مستقیم و ناگسستی با وضع آموزش ابتدائی و متوسطه دارد» روزنامه کیهان در همان شماره می نویسد : «سه مسئله اساسی در زمینه آموزش ابتدائی و متوسطه ایران از بهر گاه مطرح است : ۱- مسئله کادر آموزشی ۲- مسئله کتب و جزوات ۳- مسئله کتاب و جزوات» در زمینهای مسائل ، عوامل فرعی تری مانند شهریه ، نامنویسی ، عدم تجهیز مدارس ، نقل و انتقال معلمان و محصلین و امورد دیگری وجود دارد که بهر حال چون عوامل اصلی و تعیین کننده نیست ، میتوان در حاشیه این بهر تأثیر داشته .



سری بعد از سر بر ایند در مدارس «اسمی» میشود که افراد همچون انبار فرمول و محفوظات دیگر یاد آیند . از قهرمانان ورزش تجلیل و تشویق میشود و با آنها مدال و جایزه می دهند . ولی روی عواطف انسانی آموزان که ذره شخصیت رامی سازند (۱) دقت نمی شود . دقتی که برای نمره ریاضیات و دروس علمی میشود ، برای نمره نظم و انضباط دانش آموزان نشود غالباً ناطقهای مدارس ، منتظرند که بافرا رسیدن موسم امتحان ، لیستی در این مورد تهیه کنند و تحویل دهند ، بدون اینکه واقفاً در یاد و نظم و انضباط ، برنامه ای وجود داشته باشد ، یا کوششی انجام گیرد . «الکسیس کارل» نویسنده کتاب راه و رسم زندگی می نویسد : «سری به مدارس بزنید ، می بینید هوسا حتی دو بار زنگها بصدادری می آید یا به صدا در آمدن نخستین زنگ ، گروهی بجهت بالغ و نابالغ ، ناطقهای معمولاتک و کم نوری که : کلاسی نام داده اند ؛ همچون آهوان

۱- راه و رسم زندگی صفحه ۱۰۰

وحشی و دم خور و ... خارج میشوند و فضای مدرسه را پر از غلغله می سازند . جز حیاهو وزد و خورد چیزی نمی شنوید و نمی بینید ، مستخدم دهم . با تمام قوا و نیروی خود برای جلوگیری از فرار آنها کوشش می کنند و بلند گوی مدرسه مرتباً اعلام میکند که از فرار آنها جلوگیری شود . ناگهان و رؤسا با شلاق زخم خود ، در گوشه و کنار کعبین کرده اند ، تا شاگردان متخلک را به سخت ترین کیفر مینالانند و حیایان را کف دستشان بگذارند . طولی نمی کشد که با بسا در آمدن دومین زنگ ، دانش آموزان که راه فرار را در فری خود مسدود می بینند و از طرفی ممکن است ، یک غیبت غیر مجاز برایشان در دفتر ثبت شود و حیایاناً منجر یا خراج آید شود ، بطرف کلاسها هجوم می برند .

تازه این گوشه های بی گیر و در عین حال خسته کننده ! نه برای این است که انسانهای واقعی و پر رزم را و دانشمند ؛ با اجتماع تحویل داده شود ؛ بلکه صرفاً بمنظور این است که از نظر نضرات درسی عقب نمانند و کار نامه قبولی خود را دریافت دارند .

اما افسوس ! در فعالیت مادر ذی نالی بی سر می بریم که برای زندگی مساعد نیست . در حیایکه با احتیاجات حقیقی جسم و جان مطابق نیافته است . دردیده مردم امروزی ، راستگویی ؛ وفاداری بقول و کارشرا فتمندانه ؛ و خیانت نکردن بدیگران مسخره می آید ! معلمین و استادان توجه نمی کنند که حسن شرافت و حسن اخلاق ، خیلی مهمتر از موفقیت در امتحانات و کنکور هاست . شاگردان نیز در این عدم توجه شریکند . هر کس را که بوجود خود بریدی منتقد باشد ، ساده میدانند و هر کس بگوید که حسد بدیگران عادت زشتی است و آشفتنی خانواده و مدرسه نشانه انحطاط است ، «مشهری بدی در نظر می آید» (۱)

گرچه وضع همه مدارس امروز چنین نیست ولی باز در گوشه و کنار نمونه هایی از آنچه دانشمندی قوی گفته است دیده میشود .

بیت اعتراف جالب دیگر

روزنامه کیهان در شماره مزبور می نویسد : «حقیقت این است که عده ای از رؤسا و مدیران مشاغل دوزخات آموزش و پرورش ، در مدارس خصوصی شرکت مستقیم و غیر مستقیم دارند .

آیا انجمن خانه و مدرسه صلاحیت تعیین شهریه مدرسه خصوصی را دارد برای نام مسئله قابل بحثی است ؛ زیرا معمولاً افراد انجمن خانه و مدرسه از افراد مرفه هر محله اند و اینها بخاطر فرزندان خود همیشه با مدیران مدارس خصوصی دارای روابط حسن هستند .

۱- راه و رسم زندگی صفحه ۱۱۲

بدیهی است آنچه اکنون بعنوان دستگاه آموزش و پرورش ابتدایی و متوسطه وجود دارد محتاج یک تحول و دیگر گونی اساسی - چه در سطح اداری و چه در سطح آموزشی است . اغلب عناصر صالح تعلیماتی در وزارت آموزش و پرورش از کادر آموزشی رانده شده اند و بکادر اداری رو آورده اند .

چون آموزش و پرورش مهم ترین رکن خدمات و اساسی ترین وسیله رشد و ترقی جامعه است و در ذات خود بوجود آورنده و منتقل کننده معیارهای اخلاقی و علمی مردم و نسل جوان است ، بیش از هر دستگاهی باید مشاغل خود را با عناصر مطلع و کارشناس و باتجربه و در عین حال متزه و فیرا از مقاصد مادی و خصوصی تجهیز کند .

اینها ظاهری است که در کار مدارس ما وجود دارد و فعلا بطور اجمال بررسی کردیم ، اگر نقائص را که در کار خانواده ها نیز وجود دارد و همچنین عدم آشنائی پدران و مادران بوظایف خود بدان شبیه کنیم ، مشکل چند برابر خواهد شد . امیدواریم اکنون که این نقائص بصورت « بحث روز » به خود گرفته و نقل مجالس و محافل گشته است ، فکری اساسی و جامع برای اصلاح آن بشود و دیگر « معماران آموزش و پرورش » روی « نخست کج مدارس » این بناد که برای این میلکت ، بیش از هر چیز آموزش حیاتی و اجتماعی دارد ، تا « گنبد دولت » کج و معوج ، بالا نبرند .

(بنیة ادرس ۲۱)
 فرهنگی اسلامی از هندسین مسلمان و آرتشتیک های
 کشورهای اسلامی درخواست کرده است که نقشه
 های لازم را برای ساختمان این مسجد باشکوه تهیه
 کنند و به هیئت ساختمان مسجد تقدیم دارند .
 یکی از آبرو مندترین مراکز اسلامی اروپا هیئت مسلمانان
 خوشبختانه هفتة پیش اطلاع یافتیم که اعتبار لازم
 جهت ساختمان مسجد بزرگ لندن ، در کشور
 ساختمان این مرکز ، از محل اعانات و کمک های
 جمع آوری شده از کشورهای اسلامی ، تأمین
 شده و قبل از پایان ، سال ۶۹ مسیحی ساختمان
 مسجد در قسمتی از زمین ده هزار متری مرکز
 فرهنگی اسلامی ، آغاز خواهد شد .
 برای ساختمان این مسجد ، ۱۴ میلیون
 تومان اعتبار تأمین شده است و اکنون مرکز

Islamic Cultural
 Centre , Regent's lodge Park Road
 London . N . w . B . n . k